

Research Article

The Development of the Materialist Approach to the Occult Concepts of the Quran in Contemporary Iran

Firoz Aslani¹, Mohammad Moradi², Ahmad Karimi³, Seyyed Ziauddin Aliyansab⁴

Abstract

Empiricism in the contemporary era contributed to the growth of materialism and caused some contemporary thinkers to view all aspects of existence with a materialist approach. Accordingly, Iranian thinkers, by setting sensory philosophy as the criterion in examining occult concepts, followed a materialist approach to these concepts. Since this approach was facing some developments, the present study sought to explain, using a library method and a descriptive-analytical approach, what stages the aforementioned approach has gone through and what context and consequences these stages have had. According to the studies conducted, the approach in question has gone through three stages: 1- The stage of denial of occult concepts: In this stage, occult concepts were considered to be in conflict with the findings of empirical sciences and were often denied by intellectuals. 2- The stage of active scientific materialist adaptation: In this period, extensive efforts were made to adapt occult concepts to empirical sciences. 3- The stage of semi-active scientific materialist adaptation: In this stage, with the neo-positivist transformations and hermeneutical view of the concepts of the Quran, materialistic adaptation subsided to some extent.

Keywords: Quran, Occult Concepts, Materialism, Development, Contemporary Iran

How to Cite: Aslani F, Moradi M, Karimi A, Aliyansab SZ., The Development of the Materialist Approach to the Occult Concepts of the Quran in Contemporary Iran, Journal of Quranic Studies Quarterly, 2025;16(62): 149-169.

* (Article extracted from the dissertation)

1. PhD student in Quran and Hadith Sciences, University of Quran and Hadith, Qom, Iran
2. Assistant Professor of Quran and Hadith Sciences, University of Quran and Hadith, Iran
3. Assistant Professor, Department of Theology, University of Quran and Hadith, Qom, Iran
4. Associate Professor, Hazrat Masoumeh University, Qom, Iran

سیر تطوّر رویکرد مادی گرایانه به مفاهیم غیبی قرآن در ایران معاصر

فیروز اصلانی^۱، محمّد مرادی^۲، احمد کریمی^۳، سیدضیاءالدین علیانسنب^۴

چکیده

تجربه‌گرایی در دوران معاصر، به رشد مادی‌گرایی کمک کرد و موجب شد برخی اندیشمندان معاصر، به همه ابعاد هستی با رویکرد مادی‌گرایانه بنگرند. بر این اساس، اندیشه‌وران ایرانی، با معیار قرار دادن فلسفه حسی در بررسی مفاهیم غیبی، رویکرد مادی‌گرایانه به این مفاهیم را دنبال کردند. از آن جا که این رویکرد، با تطوّراتی مواجه بود، تحقیق حاضر در صدد برآمد با روش کتابخانه‌ای و رویکرد توصیفی-تحلیلی، به تبیین این مسئله بپردازد که رویکرد مذکور، چه مراحل را پشت سر گذاشته و این مراحل از چه زمینه و پیامدهایی برخوردار بوده است. طبق بررسی‌های انجام شده، رویکرد مورد نظر سه مرحله را پشت سر گذاشته است: ۱- مرحله انکار مفاهیم غیبی؛ در این مرحله، مفاهیم غیبی، متعارض با یافته‌های علوم تجربی تلقی شده و غالباً از سوی روشنفکران انکار شدند. ۲- مرحله تطبیق مادی‌گرایانه علمی فعّالانه: در این دوره، تلاش‌های گسترده‌ای برای تطبیق مفاهیم غیبی با علوم تجربی صورت گرفت. ۳- مرحله تطبیق مادی‌گرایانه علمی نیمه‌فعّالانه: در این مرحله، با تحولات نوپوزیتویستی و نگاه هرمنوتیکی به مفاهیم قرآن، تطبیق مادی تا حدودی فروکش کرد.

واژگان کلیدی: قرآن، مفاهیم غیبی، مادی‌گرایی، سیر تطوّر، ایران معاصر

* (مقاله مستخرج از رساله)

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران
۲. استادیار علوم قرآن، دانشگاه قرآن و حدیث، ایران
۳. استادیار گروه کلام، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران
۴. دانشیار، دانشگاه حضرت معصومه، قم، ایران

مقدمه و بیان مسئله

جهان غرب از دوران رنسانس شاهد تحول اساسی با پیشرفت‌های علم تجربی گردید و این پیشرفت‌ها به‌گونه‌ای بود که تمام عرصه‌های زندگی انسان را در نوردید و علم تجربی ملاک تشخیص درست از نادرست قرار گرفت. در مبنای معرفت شناختی، روش تجربی تنها روش قابل اعتماد برای کسب معرفت تلقی شد و ماده تنها واقعیت جهان معرفی گردید؛ بنابراین علم تجربی مبنایی مادی‌گرایانه یافت (ن.ک: باربور، ۱۳۶۲ ش: ۱۴۴).

زمینه شکل‌گیری مبنای ماده‌گرایانه بدین نحو بود که در غرب، آگوست کنت پایه‌گذار مکتبی به نام مکتب تحقیقی تحصلی (پوزیتویسم^۲) گردید (فولکیه، ۱۳۶۶ ش: ۱۴۹)؛ این مکتب بر اساس این که تنها علم تجربی را به عنوان راه کشف حقیقت باور داشت، منتهی به ماتریالیسم علمی شد. این جریان به خاطر اثرگذاری شگرف آن و استیلای فرهنگ غرب، در کشورهای غربی متوقف نشده و به کشورهای اسلامی و ایران هم راه یافت، یکی از گفتمان‌هایی که در سایه علم تجربی شکل گرفت رویکرد مادی به مفاهیم غیبی قرآن بود. رویکرد معادل «اتجاه» در زبان عربی و به معنای مشخصات و ویژگی‌هایی است که تفاسیر قرآن را به تبع جهت‌گیری، گرایش‌ها و تمایلات مفسر از یکدیگر متمایز می‌سازد (ن.ک: هدی جاسم، ۱۳۷۲ ش: ۲۳) و غیب آن حقیقتی است که در حیطه حواس قرار نمی‌گیرد و مقتضای بدهت عقلی نیست (راغب، ۱۴۱۲ ق، ص ۶۱۷). در برابر غیب، شهادت قرار دارد؛ به معنای حضور همراه مشاهده با چشم یا با آگاهی و بصیرت (راغب، ۱۴۱۲ ق: ۴۶۵). و از منظر قرآن باور به این حقیقت است که در عالم هستی، حقایقی وجود دارد که با حواس ظاهری درک نمی‌شود؛ همانند خدای سبحان و آیات کبرای او که همه از حواس ما غایب‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۰ ش: ۴۶/۱). و منظور از دوران معاصر ایران، شامل عصر مشروطه تا روزگار کنونی است. (لک زایی، ۱۳۹۱: ۱۵) بنابراین، رویکرد مادی‌گرایانه به مفاهیم غیبی قرآن عبارت است از انکار مفاهیم غیبی یا تطبیق و تبیین مفاهیم غیبی با امور مادی یا تلقی سمبلیک از آن مفاهیم (ن.ک: سعیدی روشن، ۲۷۴ ش: ۱۳۸۳؛ سبحانی، ۱۳۸۳ ش: ۱۴۱/۱-۱۵). بدین بیان که عده‌ای خواستند به وسیله علم تجربی مفاهیم غیبی را تبیین کنند؛ از آن جایی که موضوع

۱. مادی منسوب به ماده و مادی‌گرایی معادل کلمه انگلیسی ماتریالیسم است. ماتریالیسم در اصطلاح اعتقاد به این است که همه موجودات جهان، تنها وجود مادی دارند (سیمپسون، ۱۹۸۹ م: ۷۸۹)
از مادی‌گرایی دوران معاصر با توجه به درآمیختگی‌اش با علوم تجربی و فلسفه حسی، ماتریالیسم علمی تعبیر می‌شود. باربور از جمله کسانی است که این واژه را به کار برده و آن را مبتنی بر دو اصل می‌داند: یک روش علمی، تنها طریق قابل اعتماد برای کسب معرفت است. (دو ماده (و انرژی) تنها واقعیت اساسی جهان می‌باشد (ن.ک: باربور، ۱۳۶۲ ش: ۱۴۴).

علم تجربی تبیین جهان طبیعی بود، وقتی این علم به بررسی مفاهیم غیبی پرداخت که از قلمرو علم تجربی خارج بود؛ گاهی منتهی به انکار آن مفاهیم؛ تطبیق یا تبیین مادی از مفاهیم غیبی و گاهی نیز منتهی به تلقی سمبلیک از آن مفاهیم شد.

شهید مطهری این گفتمان را بدین نحو تشریح می‌کند: «در عصر ما عده‌ای قرآن را تفسیر حسی کردند و هر چه که جنبه غیبی داشت به امور محسوس تأویل نمودند. حتی معجزاتی که در قرآن بیان شده به صورت عادی و حسی تأویل کردند» (مطهری، ۱۳۶۸ ش: ۳۰۸/۲۸).

این جریان در ابتدا از طریق روشنفکران ایرانی که تحصیلات خارجی داشتند، مثل آخوندزاده، ملک‌خان، طالبوف، به راه افتاد و بعدها از طریق افرادی مثل مهدی بازرگان، علی شریعتی که هم با آثار اندیشمندان غربی آشنایی داشتند و هم با آثار نواندیشان مصری در ارتباط بودند، به ایران نفوذ کرد. و تغییرات بنیادینی را در مسایل اعتقادی و مفاهیم غیبی همانند انکار و تطبیق مادی از آن مفاهیم رارقم زد؛ بنابراین، جریان پوزیتویسم جریان کوچکی نبود و بنیان‌های اعتقادی جامعه ایران را به چالش طلبید؛ اما برای این که به صورت یکپارچه و پیوسته مراحل گوناگون پوزیتویسم و موجی که هر مرحله در ایران ایجاد کرد و تأثیراتی که هر مرحله نسبت به مفاهیم غیبی به جای گذاشت روشن شود، و عمق نفوذ و میزان تأثیرگذاری آن آشکار گردد، مستلزم آن است که سیر تطور آن هم مورد کنکاش قرار گیرد؛ نکته‌ای که از جانب قرآن‌پژوهان مغفول مانده است. از این روی نوشتار حاضر در صدد است از طریق تحلیل داده‌ها، سیر تطور رویکرد مادی‌گرایانه علمی به مفاهیم غیبی قرآن در ایران معاصر را، با روش توصیفی تحلیلی مورد بررسی قرار دهد تا شناخت جامعی از این رویکرد و زمینه و پیامدهای آن در ایران معاصر ارائه نماید. بدین ترتیب محققان بعدی می‌توانند با بهره‌مندی از یافته‌های تحقیق حاضر، راه‌های مواجهه با این رویکرد را بهتر شناخته و آن را بهتر نقد و ارزیابی کنند و جریان‌های متأثر از آن را بازشناسند، از این روی، نوشتار حاضر در صدد است به این سؤال مهم پاسخ دهد که:

- رویکرد مادی‌گرایانه علمی به مفاهیم غیبی قرآن در ایران معاصر چه مرحله‌ای را پشت سر گذاشته است؟ و به تبع آن زمینه‌ها و پیامدهای هریک از این مراحل چیست؟

پیشینه

در مورد رویکرد مادی به مفاهیم غیبی قرآن تا حدودی پژوهش‌هایی انجام گرفته است که برخی از آن‌ها عبارتند از:

کتاب «اعجاز قرآن»، سال انتشار ۱۴۰۹ قمری و «تفسیر المیزان»، سال انتشار، ۱۲۹۰ قمری؛ که هردو از تألیفات علامه طباطبایی است و در صص (۵۵-۵۳) «اعجاز قرآن» و ج ۱،

صص (۸۸-۸۶) «تفسیرالمیزان»، اشاره اجمالی به مبانی مادی‌گرایان و خاستگاه و روش آنان می‌نماید.

کتاب «مجموعه آثار»، شهید مطهری، ج ۱، صص (۵۴۳-۵۴۴) سال ۱۳۶۸ شمسی؛ دیدگاه کسانی که روش قرآن در بررسی الهیات را تجربی می‌دانند، نقد نموده است.

کتاب «ایدیولوژی تطبیقی»، تألیف محمد تقی مصباح یزدی سال ۱۳۶۱ شمسی؛ در درس نهم و شانزدهم به نقد کسانی می‌پردازد که روش قرآن را پوزیتیویستی می‌دانند.

مقاله «تفسیر پوزیتیویستی» در قرآن، تألیف بهاء الدین خرمشاهی سال ۱۳۵۹ شمسی با تمرکز در کتاب بازنگرش اساسی به اسلام به نقد دیدگاه‌های پوزیتیویستی آن کتاب نسبت به مفاهیم غیبی قرآن می‌پردازد.

مقاله «رویکرد انحرافی در تفسیر قرآن»، تألیف علی نقی خدایاری سال ۱۳۸۲ شمسی؛ به بررسی زمینه‌ها و پیامدهای مادی این رویکرد پرداخته است.

مقاله «تحولات تفسیر نگاری در قرن چهاردهم»، از سید موسی صدر که سال ۱۳۷۵ شمسی منتشر شده و در بخشی از مقاله به گرایش مادی در تفسیر قرآن اشاره کرده و به توصیف آن می‌پردازد.

پژوهش‌های مذکور در مورد رویکرد مادی به مفاهیم غیبی قرآن هستند، اما در این میان با همه اهمیتی که سیر تطور رویکرد مادی به مفاهیم غیبی قرآن دارد، پژوهشی از جانب محققان در این مورد صورت نیافته است؛ از این روی اهمیت این پژوهش و خلافت ناشی از آن؛ نویسنده را برانگیخت تا سیر تطور رویکرد مادی‌گرایانه به مفاهیم غیبی در ایران را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

مراحل رویکرد مادی به مفاهیم غیبی قرآن در ایران معاصر

رویکرد مادی‌گرایانه علمی به مفاهیم غیبی قرآن در ایران معاصر، روند یکسانی نداشته و متناسب با شرایط و همچنین چگونگی ترسیم رابطه علم و دین، و متناسب با تعریفی که از پوزیتیویسم^۱ ارائه می‌شد، مراحل را پشت سر گذاشته است که مورد بررسی واقع می‌شود:

دوره انکار مفاهیم غیبی قرآن

در دوره معاصر که افکار پوزیتیویستی از طریق مستشرقان و روشنفکران به جامعه ایران راه یافت، این افکار در بدو ورود، که مقارن با دوران مشروطه است، حالت تهاجمی داشته و این حالت

1. positivism

تهاجمی از یک طرف به ماهیت پوزیتیویستی آن برمی‌گشت؛ زیرا پوزیتیویسم که در قرن نوزده به وسیله آگوست کنت بنیانگذاری شد، حالت تقابل با دین داشت و بر اساس مبانی پوزیتیویستی هر معرفتی را که از طریق غیر تجربی حاصل می‌شد، موهوم دانسته و انکار می‌کرد (سبحانی، ۱۳۹۸: ۴۰۴/۲). و نسبت علم و دین را متضاد می‌دانست؛ از طرف دیگر، این افکار پوزیتیویستی در زمانی وارد ایران شد که در غرب حاکمیت بلامنزاع داشت (زرشناس، ۱۹ ش: ۱۳۷۰). از سوی دیگر، عملاً تجددخواهی در غرب براساس ضدیت با کلیسا و عالمان مسیحی شکل گرفته بود (کچوییان، حسین، ۱۳۸۳ ش: ۱۶۷). و همین افکار مبتنی بر پوزیتیویسم اولیه، در چنین فضای بلامنزاع، و ضد دینی غربی به وسیله مستشرقین و روشنفکران ایرانی همانند ملک‌مخ، آخوندزاده و طالبوف در ایران راه یافته و موجب تقابل با مفاهیم دینی مخصوصاً مفاهیم اعتقادی و غیبی آن شد. آنان به انفکاک علم و اعتقاد باور داشته و به خاطر خارج بودن اعتقادات و امور غیبی از چارچوب تجربی آن را غیر معرفتی و امری موهوم دانستند؛ از این روی نه تنها معجزات، بلکه اصل وجود و آمد و شد فرشتگان را خلاف قوانین طبیعت دانسته و انکار کردند (آخوندزاده، ۱۳۹۵ ش: ۱۰۱-۱۰۴).

زمینه‌های شکل‌گیری دوره انکار از مفاهیم غیبی قرآن

در این دوره که روشنفکران غالباً در مواجهه با مفاهیم غیبی به انکار آن مفاهیم پرداختند؛ دلیل عمده‌اش این بود که روشنفکران ایرانی تحت تأثیر افکار پوزیتیویستی بودند که این افکار به واسطه آشنایی با آثار فلاسفه غربی ایجاد شده بود و روشنفکرانی همانند ملک‌مخ به خاطر حضور طولانی مدت در پاریس و لندن و آشنایی با فلاسفه غرب و آثار آنان و شناختی که به زبان فرانسه داشت (گودرزی، ۱۳۸۷ ش: ۱۴۷) و آخوندزاده، از طریق آشنایی با زبان روس و ترجمه شدن این آثار در آن دوران به زبان روس با این افکار آشنا شد (مددپور، ۱۳۹۳ ش: ۱۴/۳) و در آن دوران، فلسفه تحصلی^۱ حالت انکار به مفاهیم غیبی داشته و روشنفکران ایرانی تا آن اندازه قدرت تجزیه و تحلیل نداشتند که بتوانند افکار غربی را با اندیشه اسلامی تطبیق داده؛ درست را از نادرست تشخیص دهند. عقب ماندگی ایران در ابعاد گوناگون و پیشرفت‌های غربی نیز مزید بر علت بود؛ مخصوصاً که علت شکست و سرخوردگی ایران در برابر روس را از اسلامی بودن جامعه می‌دانستند (مددپور، ۱۳۸۵ ش: ۴۶۹/۲؛ کچوییان، ۱۳۸۳ ش: ۱۵۶).

زمینه‌های نفوذ افکار مادی‌گرایانه به مفاهیم غیبی قرآن در دوره انکار

برخی زمینه‌ها باعث تسهیل در نفوذ افکار مادی‌گرایانه در ایران شد که عبارتند از:

زمینه‌های اجتماعی

زمینه‌های اجتماعی در ایران از عوامل اساسی در پذیرش رویکرد مادی به مفاهیم غیبی قرآن محسوب می‌شوند که عبارتند از:

الف) نبود رقیب جدی

در دوران معاصر که فلسفه تحصّلی غرب به شدّت از سوی روشنفکرانی همانند آخوندزاده، ملکم خان و طالبوف ترویج شد و در مقابل آن، فلسفه اسلامی مورد نقد قرار گرفت، غالباً روشنفکران ایرانی در آن دوران، فلسفه غرب را نه تنها نقد نمی‌کردند، بلکه علاقه‌شان به فلسفه غرب در حد شیفتگی بود اما از سوی دیگر، از جانب فلاسفه اسلامی آن زمان نیز هیچ گونه تحرکی در دفاع از فلسفه اسلامی و نقد فلسفه تحصّلی مشاهده نشد؛ فلاسفه‌ای همانند ملاهادی سبزواری، ملاعلی مدرس و میرزا حسن جلوه، در آن دوران بودند، اما هرگز با فلسفه غرب رو در رو نشدند و این حاکی از عدم شناخت آنان از فلسفه غرب و تأثیرات ناشی از آن بود؛ بنابراین موقعی که بدیع الملک عماد الدوله شاهزاده قاجار که متأثر از افکار رنه دکارت، لایب نیتس و کانت بود از ملاعلی مدرس در مورد افکار آنان سؤال کرد، جواب قانع‌کننده دریافت نمود. و ملاعلی مدرس متوجه ماهیت پرسش‌های وی نشده و قوّه و مادّه فلاسفه غرب را با هیولی و صورت حکمای مشاء تطبیق کرد، البته مطرح‌کنندگان فلسفه تحصّلی همانند آخوندزاده و... نیز خودشان شناخت عمیقی از فلسفه تحقیقی نداشتند و انگیزه اصلیشان از ترویج آن سیاسی و اجتماعی و رسیدن به ترقی و نیز بیشتر ناشی از شیفتگی بود (مددپور، ۱۳۸۵ ش: ۲/۵۰۸، ۴۱۲-۴۱۳).

ب) رواج خرافات

در دوران مشروطه خرافات رواج بیشتری داشت و این امر نشانگر آن است که وظیفه تبیین گزاره‌های دینی در آن زمان به نحو مطلوب تبیین نگردیده بود؛ زیرا در هر زمان ممکن است شرایطی پیش آید که گزاره‌های دینی همانند توکل به خدا، قضا و قدر، مشیّت پروردگار و... با تحریف معنوی مواجه شوند و نقش عالمان در این شرایط تبیین درست از این مفاهیم غیبی و زدودن تحریفات است و اگر به هر دلیلی این وظیفه انجام نگیرد، موجب گسترش خرافات در دین می‌شود؛ از این روی در دوران مشروطه، با گسترش خرافات مواجه هستیم و یکی از بهانه‌هایی که آخوندزاده در جهت انتقاد از دین و اعتقادات دینی مردم استفاده کرد؛ گسترش خرافات در ایران و منطقه قفقاز بود^۱ و این خرافات تنها در بین مردم عادی گسترش نداشت، بلکه در میان

۱ - یکی از زمینه‌هایی که باعث می‌شود آخوندزاده در نمایشنامه‌ها و دیگر آثار خود به دین حمله کند، گسترش خرافات در بین مردم بود که در چنین بستری آموزه‌های غیبی دین همانند معجزات و امور خارق‌العاده را نیز خرافه می‌نامد. (ن. ک مددپور، محمد، سیرتفکر معاصر، ج ۳، ص ۵۷).

دولتمردان نیز رواج داشت به طوری که فردی در برابر گرفتن امتیازی از فتحعلی‌شاه وعده داد با علوم غریبه سردار روسی^۱ که باکو را محاصره کرده بود، از سر راه بردارد. و همچنین محمدعلی شاه قاجار امور مملکتی را با استخاره رتق و فتق می‌کرد و یا در دوران مشروطه به جای فراهم کردن ساز و برگ نظامی از دعا نویسان مدد می‌گرفتند و نیز توسل شاهان قاجار در امورات متعدد به منجمان، نشان از گسترش این گونه خرافات در بخش‌های تأثیرگذار جامعه بود (مددپور، ۱۳۹۳ ش: ۳/ ۱۶۴-۱۶۵).

ج) اخباری‌گری

مشترکاتی بین حس‌گرایی غربی و اخباری‌گری دوره معاصر وجود داشت که از مشترکات مهم آن، مخالفت با فلسفه و دیگری توجه به مسائل حسی است که ملاء امین استرآبادی معتقد است علوم عقلی به خاطر خطاپذیری قابل اعتماد نیست از این روی فاقد ارزش است و تنها علمی قابل اعتمادند که مستقیم یا غیر مستقیم ناشی از حس باشند (استرآبادی، ۱۴۲۴ ق: ۲۵۶-۲۶۰). و این سخن دقیقاً همان حرف پوزیتویست‌ها است. شهید صدر هم معتقد بود که هم‌گرایی قابل ملاحظه بین هر دو جریان حس‌گرایی غربی و اخباری‌گری وجود دارد. از این جهت که هر دو جریان، عقل را مورد انتقاد شدید قرار داده و استنتاج‌های عقلانی را در صورتی که از حس ناشی نشود، مردود دانستند (صدر، ۱۳۹۵ ش: ۴۲).

زمینه روان‌شناختی

به نظر می‌رسد که رویکرد مادی به مفاهیم غیبی قبل از آن که معرفت‌شناسانه باشد، روان‌شناسانه است و غالباً متأثر از هیجانات روحی و روانی بود و این حالت روحی و روانی در برابر پیشرفت‌های صنعتی که در غرب شکل گرفت و منتهی به رویکرد مادی شد، در ایران هم به وجود آمد و این شیفتگی روحی و روانی به علم تجربی ادامه داشت و مردم توقع مدینه فاضله را از علم تجربی داشتند، تا این که جنگ‌های ویرانگر جهانی اول و دوم به وقوع پیوست و پیشرفت‌های علمی بشر برخلاف تصور انسان‌ها به جای تحقق بهشت در زمین، جهنمی وحشتناک در کشورهای پیشرفته ایجاد کرد و این جا بود که هیجانات روحی و روانی که نسبت به پیشرفتهای علم تجربی ایجاد شده بود و عامل روحی رویکرد مادی به مفاهیم غیبی بود از بین رفت (زمانی، ۱۳۸۳ ش: ۱۰۶؛ ژان لاکوست، ۱۳۷۵ ش: ۵۰). و در کنار آن نقدهایی که به مبانی پوزیتویستی علم تجربی صورت گرفت (پوپر، ۱۳۷۰ ش: ۲۹)؛ موجب شد که تأثیرات روحی و روانی علم تجربی به تدریج شکسته شود.

پیامدهای رویکرد مادی‌گرایانه علمی به مفاهیم غیبی قرآن در دوره انکار

روشنفکران دوران مشروطه همانند فتحعلی آخوندزاده، ملکم‌خان و... که به عنوان اولین دسته از روشنفکران ایرانی محسوب می‌شوند، دیدگاهشان به فرهنگ اسلامی و اعتقادات آن تاریک بود و در برابر، نگرش این افراد به فرهنگ جدید غربی که نشأت گرفته از ماتریالیسم علمی و فلسفه حسی است، کاملاً سفید و مشعشع جلوه می‌کرد و این امر نشانگر شیفتگی آنان در برابر فرهنگ غرب بود، بنابراین روشنفکران دوره اولیه، افرادی هستند که قضاوتشان یک طرفه است و از فرهنگ خودی وارهیده و وابسته به فرهنگ غربی شده‌اند و این پدیده خطرناک در روشنفکران اولیه ایران اتفاق افتاد و به آثار و پیامدهایی منتهی گردید که از جمله می‌توان قداست شکنی از مفاهیم غیبی را نام برد.

روشنفکران ایرانی که مقلد و پیرو اندیشه مادی‌گرایانه غرب بودند، بدون این که توجهی به تفاوت اسلام و مسحیت بکنند، به انتقاد از اسلام پرداختند (کجویان، ۱۳۸۳ ش: ۱۶۸) و هرکدام با عباراتی حرمت آن مفاهیم مقدس را شکستند. گاهی با واژه‌هایی همانند السنه اموات، از حیز انتفاع افتاده (طالبوف، ۱۳۲۴ق: ۵۹)، نشانه توهم و جهالت (آخوندزاده، ۱۳۹۵ ش، ۷۷): افسانه و عامل عقب ماندگی (همان: ۳۶): امری بیهوده و بی‌فایده (همان: ۱۲۷) و اوهاماتی که عامل اختلافند (کرمانی: ۱۳۷۰ ش: ۵۳)، نام برده شد و آخوندزاده تبعیت از اسلام را خطای مردم ایران می‌دانست و می‌گفت که ما ۱۲۸۰ سال در خطا زندگی کرده‌ایم (آخوندزاده، ۱۳۹۵ ش: ۱۸۲). آنان در ادامه قداست شکنی خود، با اتکاء به فلسفه حسی غرب، که منکر غیب و متافیزیک بود، و خرابی دنیا را به دین و اعتقادات دینی نسبت دادند (همان، ۷۱). همچنین اعتقادات دینی را عامل تعطیلی عقل تلقی کردند (همان: ۱۸۷). و سخن از هدم اساس دین نمودند (همان: ۱۸۷) و در نهایت با انکار و شالوده شکنی از مفاهیم غیبی که شامل اعتقادات دینی می‌شود، در صدد گذر از اسلام و احیای فرهنگ و اعتقادات قبل از اسلام افتاده و ناسیونالیسم را در آثار خود به عنوان جایگزین اعتقادات اسلامی مطرح کردند و به تعریف و تمجید از دوران باستان ایران و اعتقادات آن برآمدند (آخوندزاده، ۱۳۹۵ ش: ۱۰، ۲۱، ۱۸۴). همچنین با تأسی از اندیشمندان غربی، از خدا محوری عبور نموده و انسان محوری و اومانیزم را جایگزین خدا محوری کردند (مددپور، ۱۳۹۳ ش: ۵۲۶/۳). بدین معنا که وقتی ماوراء طبیعت نفی گردید، و انسان از آسمان برید و وحی را کنار نهاد، مکتب جدیدی ساخت که دیگر آن ارتباطات غیبی در آن نقشی نداشت (جعفریان، ۱۳۶۷ ش: ۱۵۸).

دورهٔ تطبیق مادی فعالانه ی مفاهیم غیبی قرآن

از سال ۱۳۲۰ شمسی فضای دیگری نسبت به رویکرد مادی گرایانه علمی به مفاهیم غیبی قرآن در ایران معاصر متأثر از پوزیتویسم^۱ مشاهده شد. از یک طرف فعالیت‌های قرآنی از جانب افراد نواندیش گسترش یافت و از سوی دیگر کمتر انکار مفاهیم غیبی صورت گرفت. اندیشمندان زیادی در این عرصه فعالیت وسیعی داشتند و اکثر آنان در صدد سازگار نشان دادن مفاهیم غیبی با علم تجربی بودند تا در فضایی که عدهٔ قابل توجهی مسحور علم تجربی شده بودند با بودند، سازگار نشان دیدن این مفاهیم با علم جدید، موجبات حفظ ایمان آنان را فراهم آورند. در این دوره، نسبت به مفاهیم غیبی قرآن دیدگاه‌های جدیدی از سوی نواندیشان مطرح گردید که عبارتند از: (یک) روش بررسی مفاهیم غیبی را حسی و تجربی عنوان کردند (بازرگان، ۱۳۴۴ ش: ۶۸؛ شریعتی، ۱۳۶۳ ش: ۳۰/۵۰) و برخی به روش تجربی اکتفا نکرده و گفتند روش بررسی مفاهیم غیبی در قرآن پوزیتویستی است (رهسپار، ۱۳۵۷ ش: ۷۳).

(دو) تطبیق‌های مادی فراوانی از مفاهیم غیبی قرآن اتفاق افتاد؛ به عنوان نمونه، تطبیق فرشته و جن به انرژی (بازرگان، ۱۳۷۷ ش: ۵۳۷-۵۳۸)، تطبیق شیاطین در زمان حضرت سلیمان به مردم صیدا (خزایی، ۱۳۷۱ ش: ۷۹). تطبیق نمله در آیه ۱۸ سوره نمل به قبیله مورتبارها (همان: ۲۸۸) و...

سه) از تبیین‌های مادی و برخی فرضیه‌های علم تجربی برای بیان حقایق غیبی استفاده گردید؛ به عنوان نمونه قانون بقاء ماده و انرژی برای تبیین تجسم عمل در روز قیامت به کار گرفته شد، بدین بیان که در حالت کلی ماده به انرژی و انرژی به ماده تبدیل می‌شود و در عالم از مجموع ماده و انرژی چیزی کم نمی‌شود. از این روی، آثار اعمال انسان در ذرات وجودی و سلول‌های او باقی می‌ماند و در قیامت تجسم آن جلوه‌گر می‌شود (بازرگان، ۱۳۸۸ ش: ۱۹۲). و از نسبت اینشتین برای تبیین معجزاتی همانند معراج پیامبر و ... استفاده گردید. بدین بیان که پیامبر (ص) در معراج به عوض این که طبق معمول در فضای سه بعدی زندگی کرده باشند، بلکه به طریق حلول و حضور در فضای چهار بعدی قرا گرفته‌اند (بازرگان، ۱۳۸۵ ش: ۲۹۷).

چهار) نسبت به قصص خارق العاده قرآن، همانند جریان شخصی که پس از مرگ صدساله زنده شد (بقره / ۲۴۰)؛ یا هزاران نفری که به بیان قرآن از مرگ می‌گریختند و خدای متعال پس از چشانندن مرگ بر این گروه، دوباره آنان را زنده کرد، (بقره / ۲۴۳) برخی از مفسران نواندیش با تهی‌سازی جنبهٔ خارق العاده این گونه آیات، گفتند که قرآن در صدد بیان تمثیل بوده است (طالقانی، ۱۳۶۲ ش: ۲ / ۱۷۱-۱۷۳).

در این دوره، از قرآن پژوهان نواندیشی همانند محمد تقی شریعتی، مهدی بازرگان، آیت الله طالقانی و دکتر علی شریعتی، محمد خزاییلی و... می‌توان نام برد. این فعالیت‌ها که از سال ۱۳۲۰ شمسی شروع شد، در دهه ۱۳۴۰ شمسی به اوج خود رسید و در این دهه، پوزیتویسم به جریان غالب روشنفکری در ایران بدل شد و بازار تفسیرهای پوزیتویستی از قرآن گرم‌تر و مفاهیم غیبی قرآن نیز با امور طبیعی تطبیق شد (زرشناس، ۱۳۷۰: ش: ۱۹).

زمینه‌های شکل‌گیری دوره تطبیق مادی‌فعالانه از مفاهیم غیبی قرآن

در سطح جهانی گروهی با عنوان اعضای حلقهٔ وین که انتقادهایی به پوزیتویسم اولیه مطرح شده از سوی آگوست کنت داشتند، تشکیل گردید و این گروه، نظر جدیدی در مورد پوزیتویسم^۱ مطرح کردند که بر اساس آن، در وحله اول، یافته‌های غیر تجربی را انکار نمی‌کرد، بلکه بی‌معنا می‌دانست (سبحانی، ۱۳۹۸: ش: ۲/ ۴۰۴).

بنابراین در نگاه جدید پوزیتویستی، مفاهیم غیبی بی‌معنا تلقی شدند و بدین نحو عده‌ای با تطبیق مادی از مفاهیم غیبی در صدد معنابخشی آن برآمدند (شریعتی، ۱۳۶۳: ش: ۳۰/ ۵۰). از سوی دیگر، انتقادهای دانشمندانی همانند پوپر ثابت کرد که قطعی دانستن علم تجربی توهمی بیش نیست و علم تجربی، خطاپذیر است (پوپر، ۱۳۷۰: ش: ۲۹). در کنار آن، جنگ‌های اول و دوم جهانی از سوی بانیان علم جدید شکل گرفت و حالت روحی و روانی انسان‌ها نسبت به علم تجربی را که توقع داشتند برایشان مدینه فاضله ایجاد کند در هم شکست (ژان لاکوست، ۱۳۷۵: ش: ۵۰). و همه این عوامل رابطه تضاد و تقابل میان علم و دین را به نسبت سازگاری بین علم و دین سوق داد. از این روی با توجه به سازگار دانستن علم و دین در خود غرب نیز تلقی سمبلیک و تطبیق مادی از مفاهیم غیبی اتفاق افتاد (باربور، ۱۳۶۲: ش: ۱۲۱). و این تحولات به کشورهای اسلامی و ایران هم راه یافت و در سطح کشورهای عربی و اسلامی نیز قدم‌هایی برای سازگاری علم و دین برداشته شد و تطبیق‌های مادی از سوی اندیشمندانی همانند محمد عبده، طنطاوی و در هندوستان از سوی سید احمد خان هندی و... نسبت به مفاهیم غیبی اتفاق افتاد و ایرانیان از یافته‌های این نواندیشان نیز بهره‌مند شدند و در کنار آن، بعد از جنگ جهانی دوم از سال ۱۳۲۰ شمسی فضا برای فعالیت‌های قرآنی روشنفکران ایرانی فراهم گردید به طوری که از این سال به بعد، گفتمان دین‌پژوهی، به گفتمان علمی غالب تبدیل گردید و دوره نهضت روشنفکری دینی شکل گرفت (اسفندیاری، ۱۳۷۵: ش: ۱۹).

در این فضا، نواندیشان ایرانی به تطبیق یا تبیین مادی از مفاهیم غیبی مبادرت کردند و انگیزه‌های متعددی باعث این تطبیق‌ها بود. برخی مبنای پوزیتویستی را قبول کرده بودند و با این اقدام، در صدد رفع تعارض علم و دین بودند، ولی غالب این افراد، به واسطه تطبیق، بدون این که مبنای پوزیتویستی را بپذیرند و با این انگیزه که درد دین داشتند، در جهت رفع استبعاد عقلی از مفاهیم غیبی و توجیه مخاطبانی که تحت تأثیر علم‌گرایی بودند، به تطبیق مفاهیم غیبی قرآن با امور مادی پرداختند (نصیری، ۱۳۸۷ ش: ۵۸۵؛ نقیب زاده، ۱۳۸۵ ش: ۷۴). اما غالباً کسانی که تطبیق مادی از مفاهیم غیبی کرده‌اند هر چند که اعتقادی به فلسفه تحصلی نداشتند؛ معمولاً تحت تأثیر غیرمستقیم آن بوده‌اند. در این میان، دو امر توانست اندیشمندان را در تطبیق مفاهیم غیبی به امور مادی یاری کند: ۱- روش دیرین عده‌ای از مفسران بر ابطال اسرائیلیاتی استوار بود که در برخی کتب تفسیری در قالب داستان و گزارش‌های قدیمی وجود داشت، براین اساس، روشنفکران مسلمان با استناد به این روش؛ معجزات را در تفسیر قرآن تأویل کردند، ۲- رواج شیوه‌های علمی، تحلیل انتقادی از متون تاریخی و ادبی و ردّ برخی دیدگاه‌های مفسران گذشته را در پی داشت (عنایت، ۱۳۵۲ ش: ۲۷).

پیامدهای دوره تطبیق مادی فعالانه مفاهیم غیبی قرآن

رویکرد مادی‌گرایانه به مفاهیم غیبی قرآن در دوره تطبیق مادی فعالانه، به پیامدهای مثبت و منفی قابل تقسیم است:

پیامدهای مثبت

تطبیق مادی از مفاهیم غیبی در این دوره، دارای پیامدهای مثبتی بود که عبارتند از:

الف) تقریب به ذهن

در سایه پیشرفت علمی، برخی از حقایق جهان روشن گشته و با روشن شدن این حقایق، پذیرش برخی از مسائل غیبی برای انسان آسان‌تر و عقل‌پسند گردید؛ مثلاً با اثبات بقاء ماده و انرژی و این که در جهان چیزی از بین نمی‌رود، پذیرش فرمایش قرآن، در مورد تجسم عمل را برای انسان آسان می‌کند، بنابراین برخی بر اساس قانون بقاء ماده و انرژی به تبیین تجسم عمل پرداختند؛ هر چند این گونه تبیین پذیرفتنی نیست؛ زیرا قوانین حاکم بر جهان آخرت با قوانین حاکم بر عالم طبیعت یکسان نیست (همان: ۲۳۰).

۱- در تفسیر پرتوی از قرآن نمونه‌های قابل توجهی وجود دارد که با اسرائیلی دانستن روایات دال بر جنبه خارق‌العاده بودن قصص قرآن، آن قصص را از جنبه خارق‌العاده تهی می‌سازد همانند جریان عزیز و... (نک، طالقانی، ۱۳۶۲ ش، ۲/ص ۱۷۳، ص ۲۱۸).

ب) تقویت ایمان

برخی که مفاهیم غیبی را با امور مادی تطبیق کرده‌اند، انگیزه خود از این گونه تطبیق‌ها را تقویت ایمان مخاطبان جامعه بیان کرده‌اند، بدین بیان که اگر در جامعه‌ای ذهن مخاطب را علم تجربی مسحور خود کرده و به تسخیر خود آورده است، وقتی اثبات شود که مفاهیم دینی با علم تجربی سازگار است و حتی مفاهیم غیبی با یافته‌های علم تجربی قابل تطبیق و یا تبیین می‌باشد، موجب تقویت ایمان و اطمینان روانی این افراد می‌شود (نفیسی، ۱۳۹۷ ش: ۲۵۱). از این روی در این دوره با چنین مبنایی مفاهیم غیبی را با یافته‌های علم تجربی تطبیق و یا تبیین کردند تا بتوانند موجب تقویت ایمان مخاطبان خود گردند؛ اما سخن اینجاست که تطبیق مفاهیم غیبی با امور مادی یا تبیین مفاهیم غیبی با یافته‌های تجربی نادرست است؛ از این روی هر آنچه که به صورت غیر منطقی و نادرست موجب افزایش ایمان شود، اثر مثبت محسوب نمی‌گردد؛ چرا که اولاً سطحی بوده و ضمانت دوام ندارد، و ثانیاً موجب تحریف معنوی آیات قرآن شده و زمینه انحراف مبنایی و فکری مخاطب را فراهم می‌سازد و دیدگاه مخاطب را به حقایق غیبی دگرگون می‌کند، براین اساس، هر چند از نظر کسانی که قرآن را تطبیق مادی کرده‌اند تقویت ایمان را از پیامدهای مثبت آن می‌دانند؛ اما این گونه تقویت ایمان از نظر نگارنده، جزو پیامدهای مثبت محسوب نمی‌شود.

پیامدهای منفی

در کنار آثار مثبتی که بیان گردید، تطبیق مادی از پیامدهای منفی نیز برخوردار است که مورد بررسی قرار می‌گیرد:

الف) تحریف معنوی

در دوران مشروطه که مفاهیم غیبی قرآن با انکار مواجه گردید، قطعاً در بدنه افرادی از جامعه که روشنفکران مرجعیت داشتند تأثیرگذار بود، اما در آن دوران به جریانی مؤثر تبدیل نشد، ولی تطبیق مادی از مفاهیم غیبی قرآن، تأثیر عمیق‌تری در جامعه گذاشت و از مقبولیت بالاتری برخوردار گردید. اما به خاطر آن که مشکل اصلی در بعد معرفت‌شناختی بود و نیاز داشت که از حیث معرفت‌شناسانه، اولاً فلسفه حسی به نقد کشیده شود، و ثانیاً اثبات شود که تمام حقایق هستی با علم تجربی قابل اثبات نیست و ثالثاً به جای نفی فلسفه برهانی، این فلسفه در جهت اثبات و تبیین حقایق غیبی به کار گرفته شود؛ اما چون از بعد معرفت‌شناسانه به مسأله توجه نگردید، و تطبیق مادی نیز امر درستی نبود، نتیجه تبیین و تطبیق مادی حقایق غیبی، موجب تلقی نادرست از مفاهیم غیبی و تحریف معنوی این حقایق گردید.

ب) غیب زدایی

یکی از پیامدهای تطبیق یا تبیین مادی از مفاهیم غیبی قرآن، زدودن غیب از زندگی انسان است. این که قرآن کریم ایمان به غیب را در سرلوحه تأکیدات خود قرار داده، نشانگر آن است که این حقایق، خارج از حواس انسان هستند و عوالم بالاتر از عالم ماده وجود دارند که انسان نباید از آن عوالم غافل باشد. غیب‌زدایی که پیامد منفی تطبیق مادی است، هم شامل معجزات انبیا می‌شود که معجزات را تطبیق مادی کردند؛ مثلاً شکافتن دریا به جزر و مد تطبیق شد (خزایی، ۱۳۷۱ ش: ۶۲۲). یا در قصص خارق العاده جنبه اعجاز نادیده گردید (طالقانی، ۱۳۶۲ ش: ۲/ ۱۷۳) و از آن تهی شد. فرشتگان با قوه جاذبه و... تطبیق شدند (رهسپار، ۱۳۵۷ ش: ۲۶۹). و به گفته شهید مطهری: «گرایش اینها، گرایش حسی و به اصطلاح قرآن، گرایش شهادتی بود. هر چه که جنبه غیبی و معنوی و روحی داشت به امور محسوس تأویل کردند» (مطهری، ۱۳۶۸ ش: ۲۸/ ۳۰۸)؛ در حالی که اگر منظور قرآن این گونه امور بود، برای فهم این امور نیاز به ارسال رسل و انزال کتب نبود. بلکه هدف قرآن از عالم غیب، اشاره به عوالم برتر از عالم ماده است که انسان باید خود را به سمت آن عوالم بالا بکشد.

ج) معنویت زدایی

معنویت به معنای جهت‌گیری عمیق درونی فرد به سوی گذر از عالم خاکی و زیست مادی به سوی امری فراتر و متعالی‌تر که در اثر ایمان به غیب محقق می‌شود (حمیدیه، ۱۳۹۵ ش: ۵). وقتی غیب جنبه مادی می‌یابد و در حد عالم ماده تنزل می‌کند، سیر معنوی انسان به عوالم بالاتر معنای خود را از دست می‌دهد؛ مثلاً اگر منظور از ملائکه قوای طبیعت، همانند قوه جاذبه باشند، نا خودآگاه امدادهای غیبی معنای خود را از دست می‌دهد و همه امور در چارچوب مادی سنجیده می‌شود.

د) تشنّت آراء

تشنّت آراء از پیامدهای دیگر تطبیق مادی از مفاهیم غیبی قرآن است که در اثر تفاوت برداشت از یک آیه یا اختلاف نظر در مصداق آیه روی داده است (نفیسی، ۱۳۹۷ ش: ۲۵۹)؛ به عنوان نمونه، چند مورد ذکر می‌شود: الف) در مورد مصداق قسم‌های آیات اول سوره مرسلات، برخی مصداق مرسلات را بادها می‌دانند (بازرگان، ۱۳۴۴ ش: ۱۴۸-۱۴۹). و برخی گفته‌اند: اشاره به نیروهای طبیعت دارد (رهسپار، ۱۳۵۷ ش: ۲۳۹). ب) در تفسیر پرتوی از قرآن در خصوص آیه ۲۴۳ سوره بقره - که به زنده شدن هزاران نفری که از مرگ فرار می‌کردند- و خدا پس از چشاندن مرگ بر آن گروه، دوباره زنده‌شان کرد، طالقانی پس از رد نظر مشهور که معتقدند ظاهر آیه به مرگ آنان و زنده شدن دوباره آن گروه دلالت دارد، ابتدا به دیدگاه محمد عبده اشاره می‌کند که این جریان

را تمثیلی از مرگ جامعه‌ای می‌داند که در برابر دشمن ایستادگی نکردند؛ اما همان ملت (نسل‌های بعدی آن)، روش خود را در برابر دشمنان تغییر داده، و با ایستادگی در برابر دشمن، زنده شدند، اما طالقانی نظر سومی ارائه می‌دهد که از نظر تمثیلی دانستن این واقعه با محمد عبده اشتراک نظر داشته ولی در بیان این تمثیل با او تفاوت دارد، و برخلاف نظر عبده، معتقد است قرآن در مقام مدح آن هزاران نفری است که از دیار خود خارج شدند، و از مرگ ذلیلانه گریختند و تسلیم مرگی شدند که فرمان آن از جانب خدا رسید که «موتوا» و خداوند به آنان یا امتشان حیات جاوید بخشید که البته خبری از موت آنان پس از «فقال لهم الله موتوا» نیامده تا تمثیلی باشد از آمادگی آنان برای مرگ و همین موجب حیات آنان شد (طالقانی، ۱۳۶۲ ش: ۱۷۳/۲).

ذ) نادیده گرفتن سیاق آیات

از پیامدهای تطبیق مادی مفاهیم غیبی قرآن، نادیده گرفتن سیاق آیات است که به عنوان مثال به دو مورد اشاره می‌شود: الف) برخی آیه «فی عمد ممدده» (همزه / ۹) را به اشعه ایکس تطبیق کرده‌اند؛ بدین بیان که اشعه ایکس، برخلاف دیگر نورها که مخروطی شکل هستند، به شکل استوانه‌ای دیده می‌شود و تعبیر آیه «فی عمد ممدده» آتش دوزخ را در ستون‌های مستطیلی شکل ترسیم می‌کند. بنابراین آیه شریفه به اشعه ایکس اشاره دارد (شریعتی، بی‌تا: ۳۳۱). در حالی که آیه مذکور راجع به عذاب جهنم است و تطبیق آن به اشعه ایکس با سیاق آیات همخوانی ندارد. ب) برخی آیه «يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِّنْ نَّارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ» (الرحمن / ۳۵) را به جنگ‌های فضایی تطبیق داده‌اند، در حالی که آیه مربوط به احوالات قیامت است (زمانی، ۱۳۴۹ ش: ۲۳).

ر) نادیده گرفتن ظواهر الفاظ

از جمله پیامدهای تفسیر مادی نادیده گرفتن ظواهر الفاظ است، مثلاً برخی با تمثیلی دانستن جریان مردی که پس از صد سال زنده شد، همچنین با تمثیلی دانستن هزاران نفری که از مرگ فرار می‌کردند و پس از مواجه شدن با مرگ دوباره زنده شدند، باعث شده‌اند که قاعده اصالة ظهور الفاظ نادیده گرفته شود (طالقانی، ۱۳۶۲ ش: ۱۷۱-۱۷۳)؛ زیرا ظاهر آیه ۲۵۹ سوره بقره که می‌فرماید: «فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ» از مرگ صدساله و سپس از زنده شدنش خبر می‌دهد و نیز ظاهر آیه در «فقال لهم الله موتوا ثم احياهم» (بقره / ۲۴۳) از میراندن و سپس زنده کردن آن افراد حکایت می‌کند.

دوره تطبیق مادی نیمه فعالانه از مفاهیم غیبی قرآن

از سال ۱۳۵۷ که انقلاب اسلامی در ایران به پیروزی رسید، همچنان تطبیق و تبیین مادی و نگاه سمبلیک^۱ به مفاهیم غیبی قرآن در جهت سازگاری با علم تجربی استمرار یافت و برخی از نواندیشان بودند که مفاهیم غیبی را به امور مادی تطبیق می‌کردند، و حتی روش قرآن را حسی می‌دانستند.^۲ اما در این دوره، به تدریج از شدت تطبیق مادی کاسته شد و تقریباً از سال ۱۳۸۰ شمسی به بعد، رو به افول رفت. سؤال این است که با توجه به گسترده بودن فعالیت‌ها در جهت تطبیق مادی از سال ۱۳۲۰ شمسی و گسترش روز افزون آن مخصوصاً در دهه چهل شمسی، چه عوامل و زمینه‌هایی باعث فروکش کردن تطبیق مادی فعالانه از مفاهیم غیبی و شکل‌گیری دوره تطبیق مادی نیمه فعالانه از آن مفاهیم گردید؟

زمینه‌های شکل‌گیری دوره تطبیق مادی نیمه فعالانه از مفاهیم غیبی قرآن

به نظر می‌رسد دلایل متعددی موجب کاهش رویکرد مادی‌گرایانه به مفاهیم غیبی قرآن در این دوره بوده‌اند که عبارتند از:

پیروزی انقلاب اسلامی

تمدن جدید غرب در دوران معاصر، در قالب فلسفه ماتریالیستی، همه کشورهای اسلامی و ایران را تحت‌الشعاع خود قرار داده بود. در این میان پیروزی انقلاب اسلامی در ایران که نه تنها ماهیتی معنویت‌گرا و ضد ماتریالیستی داشت، بلکه خود، زاینده ایمان به غیب و معنویت‌گرایی بود، توانست حرکت بی‌وقفه فرهنگ مادی‌گرایانه غربی را متوقف کند و نه تنها در ایران بلکه در کل جهان، تمدن ماتریالیستی را به چالش کشاند (یزدانی، ۱۳۹۰: ش: ۲۰۵). در تأیید این تحلیل، پل گیدنز از جامعه‌شناسان غربی به افول ماتریالیسم غربی در سایه پیروزی انقلاب اسلامی اشاره کرده و می‌گوید: «با پیروزی انقلاب اسلامی شاهد معکوس شدن فرایند عمومی جهان هستیم و جهان به سمت دینی شدن حرکت می‌کند» (گیدنز، ۱۳۷۴: ش: ۷۵)؛ پیتر لودویگ جامعه‌شناس آمریکایی هم می‌گوید: «ظهور انقلاب ایران، تمایل به دین را بار دیگر در دل‌های مردم جهان شعله‌ور ساخت و کسانی که از نقش رهبر آن در دنیای اسلام غفلت می‌ورزند در تحلیل مسائل جهان دچار اشتباه می‌شوند» (راجی، ۱۳۹۷: ش: ۲۵۱).

۱- مانند تمثیل عصای موسی به عصای رهبری (فولادوند، محمد، قرآن شناسی، ص ۴۵۶)

۲- کتابی از محمد فولادوند در سال ۱۳۸۱ به نام قرآن شناسی چاپ شده است که برخی تطبیق‌های مادی در آن به چشم می‌خورد. (ن. ک: قرآن شناسی، ص ۴۸۳) و همچنین سعید غفارزاده دارای تألیفاتی همانند "دعوت به یگانگی" و "راز رستاخیز" است. کتاب دعوت به یگانگی در سال ۱۳۷۴ ش، و کتاب راز رستاخیز در سال ۱۳۸۱ ش چاپ شده و در این آثار، هم روش قرآن حسی معرفی شده و هم تطبیق مادی انجام شده است. (ن. ک: دعوت به یگانگی، ص ۱۴۸، ص ۲۲۳-۲۳۵)

نقد تطبیق مادی‌گرایانه از مفاهیم غیبی قرآن

برخی از فلاسفه اسلامی همانند علامه طباطبایی و شهید مطهری، در همان دورانی که فضا برای فعالیت‌های قرآنی باز شد و برخی از قرآن‌پژوهان در جهت سازگاری مفاهیم غیبی به تطبیق مادی آن پرداختند، با استفاده از ظرفیت فلسفه اسلامی به طور جدی فلسفه حسی غرب را به چالش کشیدند، مخصوصاً تألیف کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم، در آن مقطع در برابر شبهات فلسفه حسی غرب موثر واقع گردید. حضور شهید مطهری در بین دانشگاہیان و قشر فرهیخته و تألیفات گسترده ایشان، با محور قرار دادن شبهات مادی‌گرایانه نیز مزید بر علت بود، این گونه تقابل فکری به مرور زمان نتیجه خود را آشکار نمود و نادرست بودن تطبیق مادی از مفاهیم غیبی قرآن را با استدلال‌های فلسفی و تفسیری آشکار کرد و جلو این تحریف معنوی نسبت به مفاهیم غیبی را سد نمود و در این مقطع تاریخی، علامه طباطبایی و پرورش‌یافتگان او بودند که در سطح جهان به صورت صحیح، منطقی و برهانی از مفاهیم غیبی قرآن دفاع کرده و فلسفه پوزیتیویسم را به چالش کشیدند.

شکل‌گیری نوپوزیتیویسم^۲

اشکالات و نقدهایی که از سوی اندیشمندان به پوزیتیویسم وارد شد، به مرور زمان، صورت جدیدی به آن بخشید و نوپوزیتیویسم را جایگزین آن کرد و ماهیت بحث‌ها نیز متفاوت گردید. در شکل‌گیری نوپوزیتیویسم یکی از مسائلی که تأثیرگذار بود، افکار معرفت‌شناختی پوپر بود که معیار علم تجربی را به جای اثبات‌پذیری، ابطال‌پذیری قرار داد. پوپر با معیار قرار دادن ابطال‌پذیری در علم تجربی باعث شد این علم سر از نسبیت مطلق درآورد، اما همچنان که جزم‌گرایی مطلق تجربه‌گرایانه به خاطر عدم صحت نتوانست باقی بماند، نسبیت مطلق نیز به خاطر ویژگی نادرستی که دارد، قدرت ماندگاری نخواهد داشت. این اندیشه نسبیت و مباحثی دیگر همانند متدلوزی جدید و فلسفه علم که بر اندیشه معاصر غربی غلبه یافت، باعث شد که روشنفکران ایرانی نیز همان مباحث جدید را دنبال کنند و مفاهیم قرآنی از این زاویه مورد توجه قرار گرفت و این امر باعث کم‌رنگ شدن تطبیق مادی‌گرایانه از مفاهیم غیبی قرآن گردید (زرشناس، ۱۳۷۰ش: ۱۹؛ طالعی اردکانی، ۱۳۹۱ش: ۱۰۳-۱۰۴).

1. positivism
2. Neo positivism

پیامدهای دوره تطبیق مادی نیمه فعالانه از مفاهیم غیبی قرآن

آثار و پیامدهایی که تطبیق مادی فعالانه از مفاهیم غیبی قرآن بر جای گذاشت، همانند تقریب به ذهن و تقویت ایمان به عنوان آثار مثبت و آثار منفی همانند تحریف معنوی، غیب‌زدایی، معنویت‌زدایی، تشمت آراء، نادیده گرفتن سیاق آیات و مغایرت با ظواهر الفاظ، در دوره تطبیق مادی نیمه فعال نیز مشهود است، اما پیامدهای تطبیق مادی در این دوره، متناسب با کاهش تطبیق مادی، از کاهش برخوردار است.

نتیجه‌گیری

با توجه به داده‌های تحقیق حاضر، رویکرد مادی به مفاهیم غیبی قرآن در ایران معاصر ریشه در پوزیتویسم غربی دارد و مراحل را پشت سر گذاشته و هر مرحله‌ای از زمینه‌ها و پیامدهایی برخوردار بوده است:

دوره انکار مفاهیم غیبی قرآن: در بدو ورود رویکرد مادی به ایران، مقارن با عصر مشروطه؛ از آن جایی که در آن دوران، پوزیتویسم آگوست کنتی حاکم بود و براساس آن، مفاهیم غیر تجربی موهوم تلقی می‌شد و از سوی دیگر، این فکر در قرن نوزدهم حاکمیت بلامنازع داشت و همچنین در غرب، نتیجه مخالفت با کلیسا بود. وقتی که رویکرد مادی در چنین فضایی به وسیله روشنفکران و مستشرقین وارد ایران شد، غالباً مفاهیم غیبی قرآن با انکار مواجه شدند و زمینه‌هایی که موجب انکار مفاهیم غیبی از ناحیه روشنفکران گردید، تأثیرپذیری محض و بدون تجزیه و تحلیل آنان از فلاسفه غربی بود و با پیامدهایی همانند قداست‌شکنی و گسترش اومانیسیم و ناسیونالیسم را به همراه داشت.

دوره تطبیق مادی فعالانه از مفاهیم غیبی قرآن: این دوره که از دهه ۲۰ شمسی آغاز شده و در دهه ۴۰ شمسی به اوج خود رسید، قرآن پژوهان نواندیش، به صورت گسترده در صدد تطبیق مادی مفاهیم غیبی قرآن برای سازگار نمودن آن مفاهیم با یافته‌های علم تجربی برآمدند و زمینه‌های چنین تطبیقی عبارتند از: اولاً در غرب، پوزیتویسم منطقی جایگزین پوزیتویسم اولیه گردید و به جای موهوم دانستن مفاهیم غیبی، آن مفاهیم را بی‌معنا دانست. ثانیاً، نقدهای پوپر از یک طرف و وقوع جنگ جهانی اول و دوم، قداست و جزمیت علم تجربی را ابتدا در غرب و سپس در دیگر کشورها و ایران مخدوش کرد و اندیشمندان به جای تقابل علم تجربی با مفاهیم غیبی در صدد سازگاری آن برآمدند و پیامدهای مثبتی همانند تقریب به ذهن، تقویت ایمان و پیامدهای منفی همانند تحریف معنوی، غیب‌زدایی، تشمت آراء و نادیده گرفتن سیاق و ظواهر آیات را به دنبال داشت.

دوره تطبیق مادی غیر فعالانه از مفاهیم غیبی قرآن: پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران تطبیق مادی از مفاهیم غیبی قرآن روند کاهشی را نشان می‌دهد و از علل آن، پیروزی انقلاب اسلامی، نقد تطبیق مادی از جانب برخی فلاسفه و مفسران و گرایش نو اندیشان به مباحث نوپوزیتویستی، همانند هرمنوتیک، متدلوژی جدید و فلسفه علم است.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- آخوندزاده، میرزا فتحعلی، *مکتوبات کمال الدوله (به اهتمام علی اصغر حقدار)*، چاپ اول، انتشارات باشگاه ادبیات، ۱۳۹۵ ش.
- _____، *ادبیات مشروطه*، مقالات میرزا فتحعلی آخوندزاده، تبریز، نشر احیاء، ۱۳۵۷ ش.
- استرآبادی، محمدامین، *الفوائد المدنیه*، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۲۴ ق.
- احمد زاده، سید مصطفی، *نقد و معرفی کتاب قرآن شناسی*، مجله پژوهش های قرآنی، دوره ۹، ش ۳۶، ۱۳۸۲ ش.
- ابن اثیر، مجد الدین، *النهایه فی غریب الحدیث*، بیروت، المکتبه العلمیه، ۱۳۹۹ ق.
- اسفندیاری، محمد، *مفسر نوگرای دین شناختنامه استاد محمد تقی شریعتی*، مجله بینات، ش ۱۲، ۱۳۷۵ ش.
- باربور، ایان، *علم و دین*، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲ ش.
- بازرگان، مهدی، *باد و باران در قرآن*، قم، موسسه مطبوعاتی دارالفکر، ۱۳۴۴ ش.
- _____، *مجموعه آثار*، ج ۱، *مباحث بنیادین (راه طی شده، عشق و پرستش ذره بی انتها)*، چاپ اول، تهران، انتشارات قلم، ۱۳۷۷ ش.
- _____، *راه طی شده*، چاپ پنجم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۴۴ ش.
- _____، *مجموعه آثار*، ج ۱، *مباحث اعتقادی و اجتماعی*، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵ ش.
- _____، *مجموعه آثار ج ۱۸*، *بازگشت به قرآن ۱*، چاپ اول، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۸ ش.
- پوپر، کارل ریموند، *منطق اکتشاف علمی*، ترجمه احمد آرام، چاپ اول، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۰ ش.
- پل فولکیه، *فلسفه عمومی یا مابعدالطبیعه*، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران، ترجمه یحیی مهدوی، ۱۳۶۶ ش.
- جعفریان، رسول، *مروری بر زمینه‌های التقاط جدید در ایران*، چاپ اول، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۷ ش.
- حمیدیه، بهزاد، *کاوشی معناشناختی در معنویت*، مجله مطالعات عرفانی، ش ۲۴، ۱۳۹۵ ش.
- خزایلی، محمد، *اعلام القرآن*، چاپ چهارم، تهران، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۱ ش.
- راغب اصفهانی، حسین بن علی، *المفردات فی غریب القرآن*، چاپ اول، بیروت، دارلقلم، ۱۴۱۲ هـ.
- رهسپار، احمد، *بازنگرش اساسی به اسلام*، دفتر اول دین ارکان طبیعت، ۱۳۵۷ ش.
- سعیدی روشن، محمد باقر، *تحلیل زبان قرآن و روش شناسی فهم آن*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۳ ش.
- سبحانی، جعفر، *منشور جاوید*، چاپ اول، قم، انتشارات مؤسسه امام صادق، ۱۳۸۳ ش.
- _____، *دانشنامه کلام اسلامی*، ج ۲، قم، انتشارات مؤسسه امام صادق، ۱۳۹۸ ش.

- سلیمانی، جواد، رهبران فکری مشروطه قسمت اول، **مجله معرفت**، ش ۶۵، ۱۳۸۲ ش.
- _____، رهبران فکری مشروطه قسمت دوم، **مجله معرفت**، ش ۶۷، ۱۳۸۲ ش.
- شریعتی، علی، مجموعه آثار، ج ۱۲، **هبوط در کویر**، تهران، دفتر تدوین و تنظیم آثار دکتر علی شریعتی، ۱۳۶۳ ش.
- _____، **مجموعه آثار، روش شناخت اسلام**، ج ۲۸، تهران، چاپخس، ۱۳۶۲ ش.
- _____، **مجموعه آثار، اسلام شناسی**، ج ۳۰، تهران، چاپخس، ۱۳۶۳ ش.
- راجی، سید محمد حسین، **صعود چهل ساله**، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۹۷ ش.
- زرشناس، شهریار، بنیادهای فلسفی پوزیتیویسم، **مجله سوره**، دوره سوم، شماره هفتم، ۱۳۷۰ ش.
- ژان لاکوست، **فلسفه در قرن بیستم**، ترجمه رضا داوری اردکانی، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۵۷ ش.
- صدر، سید محمدباقر، **معالم الجدیده للاصول**، چاپ دوم، تهران، مکتبه النجاش، ۱۳۹۵ ق.
- صدر، موسی، تحولات تفسیر نگاری در قرن چهاردهم، **پژوهش های قرآنی**، دوره دوم، شماره ۸-۷ ف ۱۳۷۵ ش.
- طالبوف، عبدالرحیم، **مسائل الحیات**، تفلیس، مطبعه غیرت، ۱۳۲۴ ق.
- طالعی اردکانی، محمد، روش شناسی انتقادی اندیشه اجتماعی دکتر سروش، **معرفت فرهنگی**، سال سوم، ش ۲، بهار، ۱۳۹۱ ش.
- طالقانی سید محمود، **پرتوی از قرآن**، چاپ فلان، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۲ ش.
- طباطبایی، محمدحسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۲۹۰ ق.
- علی زمانی، امیر عباس، **علم عقلانیت و دین**، چاپ اول، انتشارات قلم، ۱۳۸۳ ش.
- عنایت، حمید، **دین و جامعه**، چاپ دوم، تهران، انتشارات کتاب موج، ۱۳۵۲ ش.
- غفارزاده، سعید، **رازهای رستاخیز**، تهران، انتشارات قلم، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش.
- _____، **دعوت بشر به یگانگی**، چاپ اول، تهران، سازمان چاپ خوشه، ۱۳۷۴ ش.
- فولادوند، مهدی، **قرآن شناسی**، چاپ اول، تهران، انتشارات الست فردا، ۱۳۸۰ ش.
- کرمانی، میرزا آقاخان، **سه مکتوب**، بی جا، انتشارات مرد امروز، ۱۳۷۰ ش.
- کچوییان، حسین، دوره اول هویت یابی ایرانی، **مطالعات فرهنگ ارتباطات**، ش ۱۸، ۱۳۸۳ ش.
- گودرزی، غلامرضا، **دین و روشنفکران معاصر**، تهران، نشر اختران، چاپ دوم، ۱۳۸۷ ش.
- گیدنز، آنتونی، **جامعه شناسی**، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، ۱۳۷۴ ش.
- لک زایی، نجف، **تحولات سیاسی اجتماعی ایران معاصر**، چاپ دوم، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۱ ش.
- نصیری، علی، **معرفت قرآنی**، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
- نفیسی، شادی، **جریان شناسی تفسیر علمی**، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۹۷ ش.
- نقیب زاده محمد، **قصص قرآن در آینه واقع نمایی**، قم، **مجله معرفت**، ش ۱۰۷، ۱۳۸۵ ش.
- مددپور، محمد، **سیر تفکر معاصر**، ج دوم، چاپ اول، تهران، انتشارات سوره مهر، ۱۳۸۵ ش.
- _____، **سیر تفکر معاصر**، ج سوم، چاپ چهارم، تهران، انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۳ ش.
- مطهری، مرتضی، **مجموعه آثار**، چاپ اول، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۸ ش.
- یزدانی، عنایت الله، انقلاب اسلامی ایران نظام بین الملل، و نظریه انتقادی، **فصلنامه پژوهشی دانش سیاسی**، سال هفتم، شماره دوم، ۱۳۹۰ ش.

COPYRIGHTS

© 2025 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: اصلانی فیروز، مرادی محمّد، کریمی احمد، علیانسب سیدضیاء‌الدین، سیر تطوّر رویکرد مادی‌گرایانه به مفاهیم غیبی قرآن در ایران معاصر، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۱۶، شماره ۶۲، تابستان ۱۴۰۴، صفحات ۱۶۹-۱۴۹.

